

Factors Affecting Iranians' Awareness of Citizenship Rights

Taha Ashaeyri*
Seyedali Mirlohi**
Tahereh Jahan Parvar***

Received: 2017/10/29

Accepted: 2017/12/16

Background and Aim: Citizenship rights are a set of rules governing society in relation to politics, institutions, governments, civil society, and so on. The main purpose of this study is the factors affecting Iranians' awareness of citizenship rights using meta-analysis (research conducted in 2004-2005).

Method: The mechanism of research is meta-analysis-quantitative (cm2). The purpose of this quantitative method is to integrate, systematically review and standardize studies conducted in a specific field of research. The statistical population was 32 studies in which 28 samples of research documents were selected in order to combine and identify its impact.

Results: The results show that 14.28% of the research in Tehran and multi-stage clustering method was 50% of the implementation method. Most of the respondents (58%) were married and the rest (35% and 7%) were single and divorced, respectively. 46% of the respondents were in the age group of 26-33 years, 29% were in the age group of 18-25 years and 21% were in the age group of 34-40 years. Also, the level of education of 62% of university respondents and 38% of diplomas and less. 33% of the respondents were self-employed, 23% were housewives, 20% were employees and 24% were unemployed and others. Accordingly, between political factors (political participation, political orientation, political awareness, political trust), cultural (social awareness of rights, citizenship education, media consumption, cultural capital), social (social trust, social participation, social cohesion) and There is a significant relationship between contextual variables (level of education, age, socio-economic status) and the level of awareness of citizenship rights.

Keywords: Political trust, citizenship rights, social capital, meta-analysis, public awareness.

* Faculty member of the Department of Sociology, Faculty of Humanities, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author).

t.ashayeri@gmail.com

** MSc of Private Law and Islamic Studies, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

s_a_m1375@yahoo.com

*** MSc of Cultural Studies, Kashan University, Isfahan, Iran.

jparvar@yahoo.com

عوامل مؤثر بر آگاهی ایرانیان از حقوق شهروندی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۵

طاها عشیری*

سیدعلی میرلوحی**

طاهره جهان پور***

چکیده

زمینه و هدف: حقوق شهروندی مجموعه‌ای از قواعد حاکم در اجتماع در ارتباط با سیاست، نهادها، دولت‌ها، جامعه مدنی و غیره است. هدف اصلی این پژوهش عوامل مؤثر بر آگاهی ایرانیان از حقوق شهروندی با استفاده از فراتحلیل (تحقیقات صورت گرفته ۱۳۸۳-۱۴۰۰) است. مکانیسم اجرای پژوهش فراتحلیل - کمی (cm2) است. هدف این روش کمی، انسجام‌بخشی، مرور نظام‌مند و یکدست‌سازی مطالعات صورت گرفته در یک حوزه معین پژوهشی است. جامعه آماری آن ۳۲ پژوهش که ۲۸ نمونه سند پژوهشی با هدف ترکیب و شناسایی میزان تأثیر آن انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد که ۱۴.۲۸ درصد تحقیقات در شهر تهران و روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۵۰ درصد روش اجرا بوده است. بیشتر پاسخ‌گویان (۵۸ درصد) متأهل و مابقی (۳۵ و ۷ درصد) به ترتیب مجرد و مطلقه بودند. ۴۶ درصد پاسخ‌گویان در گروه سنی ۲۶-۳۳ سال، ۲۹ درصد در گروه سنی ۱۸-۲۵ سال و ۲۱ درصد در گروه سنی ۴۰-۳۴ سال قرار داشتند. همچنین سطح تحصیلات ۶۲ درصد از پاسخ‌گویان دانشگاهی و ۳۸ درصد دیپلم و کمتر است. شغل ۳۳ درصد پاسخ‌گویان آزاد، ۲۳ درصد خانه‌دار، ۲۰ درصد کارمند و ۲۴ درصد بیکار و سایر بود. بر این اساس بین عوامل سیاسی (مشارکت سیاسی، گرایش سیاسی، آگاهی سیاسی، اعتماد سیاسی)، فرهنگی (آگاهی اجتماعی از حقوق، آموزش حقوق شهروندی، مصرف رسانه‌ای، سرمایه فرهنگی)، اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی) و متغیر زمینه‌ای (سطح تحصیلات، سن، پایگاه اقتصادی - اجتماعی) با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: اعتماد سیاسی، حقوق شهروندی، سرمایه اجتماعی، فراتحلیل، آگاهی عمومی.

* عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول).
t.ashayeri@gmail.com

** کارشناس ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
s_a_m1375@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران.

jparvar@yahoo.com

مقدمه

ارزش‌ها و فضایل شهروندی به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی، مجموعه جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های شهروندی است که افراد فراتر از التزام قانونی و بر اساس اخلاق و فضایل عام‌گرا در جامعه مدنی متعهد به رعایت و پذیرش درونی آنها می‌گردند. از جمله مهم‌ترین این ارزش‌ها احساس مسئولیت و تعهد به خیر جمعی، رعایت و احترام به حقوق دیگران و پذیرش دموکراسی در روابط اجتماعی هستند. مؤلفه‌های فضیلت مدنی، هویت شهروندی، احساس شهروندی، اخلاق شهروندی نشانگر میزان اهمیت شهروندی هستند. در این میان، حقوق شهروندی مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص در جامعه و جزء حقوق ذاتی و فطری انسان‌هاست و غیرقابل انتقال و تجزیه‌ناپذیر است و به تابعان یک کشور فارغ از رنگ، قومیت، نژاد، دین و طبقه‌شان تعلق می‌گیرد. مارشال، شهروندی را نوعی موقعیت اجتماعی اعطاشده به افراد یک جامعه می‌داند که به موجب آن تمامی افراد صرف‌نظر از تفاوت‌های فرهنگی، از جایگاه، حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده، برخوردارند (شیرعلیزاده و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۵۶). این مفهوم از موضوعات اساسی مرتبط با کیفیت زندگی اجتماعی انسان‌ها در عصر مدرن است. تحولات تاریخی و نوسانات زندگی اجتماعی بشر و روابط افراد با دولت‌ها و دولتمردان به نقطه‌ای انجامید که ضرورت وجود قواعدی برای تعیین استانداردهای قابل قبول جهت تأمین شرایط مناسب در روابط اجتماعی و روابط دولت با شهروندان احساس گردید (قهرمانی و داوودپور، ۱۳۹۴، ص. ۸۰). حقوق شهروندی از جمله مفاهیم نوپدید است که مارشال، آن را دارای سه حوزه اصلی می‌داند: حقوق مدنی که به حقوق فرد در قانون اطلاق می‌شود مانند آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق دادرسی و عدالت. حقوق سیاسی شامل حق رأی، حق شرکت در انتخابات، حق مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی شامل حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی و خدمات مدنی. به نظر مارشال، حقوق سه‌گانه شهروندی طی ۲۵۰ سال گذشته در غرب مراحل تحولی - تاریخی متفاوتی را پشت سر گذاشته است (گیدنز، ۱۳۸۱، ص. ۳۴۱). این مفهوم چهار عنصر اصلی هویت ملی، تعلقات اجتماعی، فرهنگی و فراملیتی، نظام اثربخش حقوقی و مشارکت سیاسی و مذهبی است و دارای ارتباط نظام‌دار با یکدیگر و با مفاهیم اصلی

شهروندی است (طالب‌زاده و فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۶). در نظر هابرماس و در اندیشه سیاسی اجتماعی معاصر این حوزه نوپدید به عنوان حوزه عمومی و جامعه مدنی مطرح شده است. از نظر وی، دریافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند. در نقش شهروندی فرد به عنوان عضو تمام جامعه خود می‌گردد و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰). در واقع، از نگاه هابرماس شهروندی روابط تنگاتنگی دارد با آنچه وی عرصه عمومی می‌نامد. هابرماس عرصه عمومی را قلمرویی از حیات اجتماعی می‌داند که در آن بتوان چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل داد. وقتی که شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منابع عمومی به گونه‌ای آزاد و بدون قیدوبند؛ یعنی با تضمین آزادی اجتماعات، آزادی بیان و چاپ و نشر افکارشان با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کنند، در واقع به صورت پیکره عمومی عمل می‌کنند (هابرماس، ۱۳۸۱). گفتمان‌های شهروندی، بعد از سال ۱۹۴۵ با تحلیل‌های جامعه‌شناختی تی. اچ مارشال دچار دگرگونی شد. طرح نظری مارشال پاسخی به چالش میان سرمایه‌داری و دموکراسی در دل دولت رفاه است که مسئله مهم آن برقراری مصالحه و پیوند میان مؤلفه‌های کلیدی نظام اقتصادی سرمایه‌داری یعنی طبقه اجتماعی و بازار و نظام سیاسی دموکراسی یعنی مشارکت همگانی و برابری حقوقی در جامعه مدرن است. به طور خلاصه حل چالش وجود طبقات اجتماعی و تفاوت طبقاتی از سویی و ضرورت تقویت تعهدات اجتماعی - سیاسی همه اعضای جامعه به نظام اجتماعی از سوی دیگر در طرح شهروندی مارشال بحث شده است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۳۷). از دید مارشال شهروندی موقعیتی است که به همه اعضای یک جامعه اعطا می‌شود. تمام افرادی که این موقعیت را دارا هستند، با توجه به حقوق و وظایف اعطاشده به آنها با یکدیگر برابرند. هیچ اصل جهان‌شمولی وجود ندارد که تعیین کند آن حقوق و وظایف چیست‌اند، اما جوامعی هستند که در آنها شهروندی آرمانی خلق می‌کنند که دستیابی به آن قابل اندازه‌گیری است و می‌توان تمایلات افراد را به سوی آن سوق داد (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰). پارسونز شهروندی را نتیجه ظهور جامعه سرمایه‌داری صنعتی می‌داند و معتقد است که تغییراتی که در جامعه صنعتی رخ داده، نظیر شهری شدن و عقلانیت بستر مناسبی را برای این پدیده به وجود آورده است. وی با مبنا قرار دادن متغیرهای

الگویی عام‌گرایی و جامعه‌مبنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری از شهروندی به عنوان کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام عرضه می‌کند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۳۷). ریشه شهروندی به شهرها یا پولیس‌های یونانی و دولت - شهرهای روم باستان برمی‌گردد. در آن دوران، شهروندی هم به معنای عضویت در یک اجتماع سیاسی بود و هم به معنای برخورداری از یک دسته حقوق، از جمله حقوق برخورداری از یک شغل یا منصب و حق دادخواهی و دسترسی به دادگاه‌ها شهروندی در پولیس‌های یونانی با مشارکت سیاسی و فعالیت در اداره امور شهر یا پولیس آمیخته بود. با گسترش امپراتوری روم، به علت وسعت سرزمین و امکان‌پذیر نبودن مشارکت مستقیم شهروندان در اداره امور، مفهوم شهروندی ارتباطش را با مشارکت سیاسی از دست داد و به یک محافظت قضائی یا حق دادرسی قضائی تبدیل شد (فالکس، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۳). پارسونز با تبیین نظری گسترش مفهوم شهروندی در دولت دموکراتیک، به قضیه آمریکاییان آفریقایی تبار در دوره اوج جنبش حقوق مدنی پرداخت (استونز، ۱۳۷۹). وی دو موضوع مرتبط با یکدیگر را مطرح کرد: عوامل تاریخی که مانع اعطای شهروندی کامل به اروپاییان آفریقایی تبار می‌شد و نیروهایی که ظاهراً موافق در نظر گرفتن آنها در حکم شهروند کامل بودند (کیویستو، ۱۳۸۷). پس شهروندی باید بر مبنای وظایف اجتماعی تعریف شود. در اینجا نیز این امر لزوماً به معنای فراموش کردن حقوق نیست، بلکه نشان می‌دهد که وظایف بنیادی تر است (پین، ۱۳۸۰). آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور کشوری و شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار گشته و مثمر‌تر باشد. همچنین آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، زمینه انجام وظایف دوجانبه را فراهم می‌کند و باعث پاسخ‌خواهی و حساب‌کشی شهروندان از مدیران و مسئولان خواهد شد. ۲۲ حق شهروندان ایران در منشور حقوق شهروندی شامل «حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی»، «حق کرامت و برابری انسانی»، «حق آزادی و امنیت شهروندی»، «حق مشارکت در تعیین سرنوشت»، «حق اداره شایسته و حسن تدبیر»، «حق آزادی اندیشه و بیان»، «حق دسترسی به اطلاعات»، «حق دسترسی به فضای مجازی»، «حق حریم خصوصی»، «حق تشکل، تجمع و راهپیمایی»، «حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت‌وآمد»، «حق تشکیل و برخورداری از خانواده»، «حق

برخورداری از دادخواهی عادلانه»، «حق اقتصاد شفاف و رقابتی»، «حق مسکن»، «حق مالکیت»، «حق اشتغال و کار شایسته»، «حق رفاه و تأمین اجتماعی»، «حق دسترسی و مشارکت فرهنگی»، «حق آموزش و پژوهش»، «حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار» و «حق صلح، امنیت و اقتدار ملی» هستند. حقوق شهروندی و مطالعه درباره عوامل مؤثر بر آن در میان ملت‌ها، به دلیل اثرگذاری آنها بر فرایند سیاست، قانون، مشارکت اقتصادی و اجتماعی امری الزامی است. شکل‌گیری حکمرانی خوب، کاهش فاصله بین دولت-ملت، تقویت اعتماد نهادی سیاسی، ایجاد همگرایی ملی و بهبود سرمایه اجتماعی در سطح کلان، میانه و خرد، بستگی به میزان آگاهی شهروندان از حقوق اجتماعی است که هر ملتی متناسب با بافت فرهنگی، سازوکارهای جغرافیایی و عرف و هنجار خود تدوین کرده است. از مهم‌ترین اهداف نظام تعلیم و تربیت، پرورش شهروندانی آگاه به حقوق و وظایف خود و همچنین متعهد در قبال جامعه می‌باشند. هر جامعه‌ای برای دستیابی به سطوح بالای توسعه‌یافتگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیازمند برخورداری از نیروی انسانی سالم، آموزش‌دیده و آگاه به حقوق اجتماعی، سیاسی و شهروندی خود است. آگاهی و دستیابی جامعه به حقوق شهروندی در یک پروسه کوتاه‌مدت یک‌ساله و یا حتی یک دهه مقدور نیست. بلکه آموزش، آشناسازی از حقوق شهروندی به عنوان یکی از الزامات و پیش‌فرض‌های توسعه انسانی، اجتماعی و سیاسی است که بایستی به شکلی در نظام اجتماعی، خانوادگی، نظام آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) نهادینه شود؛ اما آنچه روشن است با توجه به ساختار و محتوای نظام آموزش و پرورش و طولانی بودن مدت برنامه‌های آموزشی برای نسل کودکان، نوجوانان و جوانان نسبت به سایر نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی این آگاهی‌بخشی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از آنجاکه در مفهوم فرهنگ شهروندی، جنبه حقوقی و تکالیف و مسئولیت‌ها مطرح می‌شود و مسئولیت شهروندی همان «خودآگاهی مردم از حقوق شهروندی و احساس نیاز همگانی برای اجرای این حقوق است». بدین معنا که افراد تا نسبت به حقوق شهروندی آشنایی و آگاهی نداشته باشند، از وظایف خودآگاه نخواهند شد و به آن عمل نخواهند کرد. پس برای اینکه حقوق شهروندی مؤثر باشد، شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و آنها را محترم بشمارند و آگاهی از این حقوق به فرد اجازه دخالت آگاهانه

در سرنوشت خود را می‌دهد و منجر به احقاق حقوق خود و زندگی بهتر خود و دیگر اعضای جامعه می‌شود (شیانی، ۱۳۸۲، ص. ۶۷)؛ بنابراین میزان آگاهی افراد از حقوق و تعهداتشان و شیوه فعال شدن آنها در جامعه، در میزان تحقق شهروندی و ارتقای آن نقش مؤثری دارد. آگاهی شهروندان از حقوق و فرهنگ شهروندی، مبنای اجرای عدالت اجتماعی بوده و فقط در صورت آگاهی مردم از حقوقشان می‌توان به ایجاد و تثبیت امنیت و رفاه اجتماعی پایدار و مستمر امیدوار بود. بی‌اطلاعی از حقوق افراد و اهمال ورزیدن در مورد آن یا حقیر انگاشتن آن، یکی از مهم‌ترین علل تیره‌روزی‌های مردم و اداره حکومت‌هاست. اولاً شهروندی و عدم رعایت اصول شهروندی از جمله مشکلات اولویت‌دار کشور هست؛ ثانیاً مردم کشور ما آگاهی زیادی از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی خود ندارند. همچنین رعایت حقوق شهروندی و به تبع آن اخلاق شهروندی در سطح خوبی قرار ندارد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۶). در ایران بیش از یک سده است که مبارزه برای احقاق حقوق فرهنگ شهروندی و به عبارت دیگر فرایند تبدیل امت به ملت و رعیت به شهروند با فراز و نشیب‌های فراوانی ادامه دارد (مالجو، ۱۳۸۱، ص. ۳۴). با این وجود هنوز شاهد چالش‌های فرهنگی و اجتماعی بحران‌زا در شهرهای مختلف ایران هستیم. به عقیده کارشناسان مسائل اجتماعی ایران، بخش عمده از این چالش‌ها به دلیل عدم آگاهی و ناآشنایی شهروندان از فرهنگ شهروندی‌شان است (پیرهادی، ۱۳۸۵: ۴۴). رسانه‌ها از وسایل بسیار مهم ارتباط جمعی است که با انتقال اطلاعات و پیام‌های مختلف و تبادل دوسویه اطلاعات و افکار با مخاطبان در شکل‌گیری آگاهی افراد در زمینه شهروندی تأثیری بارزی دارد. گستردگی و امکان دسترسی همه مردم به رسانه‌ها و ورود آن به عرصه‌های عمومی و محلی، می‌تواند رکنی از ارکان ارتقادهنده آگاهی در زمینه حقوق شهروندی باشد. رسانه‌ها از طریق آموزش شهروندی می‌توانند در جهت آماده ساختن افراد به عنوان شهروندان فعال برای مشارکت در یک زندگی مدنی اثرگذار باشند (ذکایی، ۱۳۸۱، ص. ۱۳). آگاهی بخشی از طریق رسانه‌ها بر اساس حقوق و مسئولیت‌های شهروندی می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای آزاد، شکیبیا و منصف و مشارکت‌جو منجر شود (صدرالسادات، ۱۳۹۱، ص. ۶۹). جامعه ایران، جامعه‌ای در حال توسعه و تحول به لحاظ اجتماعی و فرهنگی است، نهادهای مدنی و اجتماعی نوپا شکل گرفته و در روند

توسعه خود بسر می‌برند. ارتقای فرهنگ شهروندی که یکی از ابعاد مهم مسئولیت این نهادهاست که حتی نهاد خانواده و نظام آموزشی و نهادهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. وجود نهادهای فرهنگی، مدنی و سایر ارگان‌های اجتماعی، در ارتقای فرهنگ شهروندی نقش مؤثری داشته است؛ بنابراین از این فرصت می‌توان در جهت آگاه‌سازی و جذب شهروندان و نهادینه کردن اصول فرهنگ شهروندی برای تربیت فردی مسئولیت‌پذیر، قانون‌مدار و مشارکت‌جو استفاده نمود؛ بنابراین آگاه کردن شهروندان از فرهنگ شهروندی از طریق نهادهای فرهنگی و مدنی، از اولویت‌های مهم و اساسی است. در فرهنگ شهروندی با هنجارهای قانونی و اشکال از قبل تعیین شده و سخت همانند حقوق شهروندی روبرو نمی‌شویم، بلکه با مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی روبرو شده که انعطاف‌پذیری بسیاری دارند؛ که این امر ناشی از وجود تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگ شهری یا خرده‌فرهنگ‌های شهری شکل می‌گیرد. فرهنگ امری شهروندی است که از یک فرد تا مجموع بزرگی از گروه‌های جامعه که به طور نسبی قابل بررسی است را مطالعه می‌کند. در حوزه فرهنگ شهروندی یکی از پارامترهای مهم، فرهنگ شهروندی است. این مفاهیم کلیدی همان «مسئولیت‌پذیری شهری، قانون‌مند بودن شهروندان، هنجارپذیری از الگوهای شهرنشینی» است. در این باره محققان مختلفی درباره حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن مطالعه کرده‌اند. بر این اساس، مطالعه حاضر قصد دارد با رویکرد فراتحلیل؛ عوامل مؤثر بر حقوق شهروندی در ایران را بررسی کند.

۱. مبانی و رویکردهای نظری

۱-۱. تاریخچه شهروندی

پیشینه مفهومی و تاریخی مباحث نظری شهروندی به اندیشه سیاسی - اجتماعی سقراط، افلاطون و به‌ویژه ارسطو در کتاب سیاست در یونان باستان، رواقیون و فلاسفه مسیحی به‌ویژه آگوستین و اکویناس در عصر رومیان و قرون وسطی و به صورت منسجم‌تر در اندیشه سیاسی - اجتماعی ماکیاولی، هابز، لاک، روسو، کانت و هگل در دوره رنسانس برمی‌گردد (Lee, 1999). مفهوم شهروندی برای اولین بار برای تمیز دادن مردم عادی از بردگان و اسیران جنگی در دولت - شهرهای آتن و اسپارت مورد

استفاده قرار گرفت. در آن زمان، شهروند کسی بود که در امور شهر و تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن حق دخالت و شرکت داشتند. به‌زعم رایزنبرگ شهروندی با یونانی‌ها آغاز می‌شود و با شروع مدرنیته که قبل از همه با انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ مشخص می‌شود، پایان می‌یابد. نظریه‌پردازان یونان باستان چون افلاطون و ارسطو در قالب اتحاد و پیوند میان روسای قبایل و تبعیت از خدایان، قوانین واحدی را در چارچوب مناسک مشترک بیان کردند که در شکل‌گیری دولت - شهر و مبانی شهروندی نقش داشتند. در شرایطی که روابط قومی و عشیره‌ای، قبیله‌ای و ایلی و پیوندهای خونی - تباری مطرح بود، این چارچوب نگاهی فراتر از خانواده داشت و به اجتماع (کامیونیتی) و اعضای آن با حقوق برابر به عنوان شهروند تأکید داشت. با این وجود در این چارچوب، موقعیت شهروندی در دولت - شهر به شدت انحصاری بود و نابرابری موقعیت بدون چون‌وچرا پذیرفته شده بود. حقوق تمام اقشار از قبیل؛ زنان، کودکان، بردگان و خارجیان نادیده گرفته می‌شد و آنها را به عنوان شهروند به رسمیت نمی‌شناختند (De la Paz, 2008: p.31) اما رواج ویژه مفهوم شهروندی و جامعه مدنی در زمان معاصر، غالباً به اندیشه‌های سیاسی متفکران اروپایی قرن هفدهم به خصوص تامس هابز و جان لاک برمی‌گردد (فرمیونی فراهانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵). مفهوم‌پردازی از شهروندی در اندیشه سیاسی - اجتماعی مدرن با برخورداری از میراث کلاسیک بر صورت‌بندی شهروندی، با مؤلفه‌هایی چون «حقوق، وظایف، مشارکت، رضایت و امتیازات شهروندی» تعریف و تبیین شده است که سهم قابل‌توجهی در نظریه‌های شهروندی مدرن دارد (ارمه، ۱۳۷۶؛ آبراهامیان، ۱۳۷۸؛ طلوعی، ۱۳۷۹ و فالکس، ۱۳۸۴).

مفهوم حقوق شهروندی: مفهوم شهروندی برگرفته از واژه لاتین سیویتاس است که به فرد صاحب حقوق سیاسی ساکن در دولت‌شهرها اطلاق می‌شود. شهروند عضو یک اجتماع سیاسی دارای بهره‌مند از حقوق بوده و وظایف عضویت نیز برای او محفوظ است (کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱، ص. ۳۰). حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌های افراد در قبال یکدیگر، شهر و دولت است و شامل حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی است که مجموع آن را حقوق شهروندی گویند (باقری بنجار و مرجانی، ۱۳۹۶، ص. ۳). در ادبیات اجتماعی و سیاسی جامعه ایران، کلمه شهروند واژه‌ای جدید است. در واقع، در جامعه ایرانی تا قبل از مشروطیت، به‌جای

کلمه شهروندان، از واژه رعیت استفاده می‌شود. در فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۷)، کلمه شهروند وجود ندارد. شهروند مفهومی نوین است که با ورود به هزاره سوم، اهمیت یافته است (نیازی و جعفرپور، ۱۳۹۵، ص. ۹۸).

۲. مطالعات حقوق شهروندی در ایران

در ادامه مطالعات صورت گرفته در باب حقوق شهروندی، در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

جدول (۱): پیشینه پژوهش حقوق شهروندی

کد	عنوان پژوهش	نویسنده/سال
۱	بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	ربانی و دیگران (۱۳۸۵)
۲	بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن	اسکافی (۱۳۸۶)
۳	آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن	هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)
۴	بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان	حسین‌زاده و دیگران (۱۳۹۱)
۵	بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی	کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱)
۶	بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه نمادین و نگرش به حقوق شهروندی	وثوقی و حضرتی (۱۳۹۱)
۷	بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن	باقری بنجار و سپهوند (۱۳۹۲)
۸	ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی	زیاری و دیگران (۱۳۹۲)
۹	بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین دین‌داری با آشنایی به حقوق شهروندی	شیرعلیزاده و دیگران (۱۳۹۳)
۱۰	بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی	مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳)

کد	عنوان پژوهش	نویسنده/سال
۱۱	تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن	همتی و احمدی (۱۳۹۳)
۱۲	تحلیل رابطه جامعه‌شناختی سبک زندگی و گرایش به حقوق شهروندی	بخارایی و دیگران (۱۳۹۴)
۱۳	سنجش میزان آگاهی اساتید دانشگاه از حقوق شهروندی	قهرمانی و داودپور (۱۳۹۴)
۱۴	بررسی احساس برخورداری از حقوق شهروندی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن	سام‌آرام و برزگر (۱۳۹۵)
۱۵	تحلیلی جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان	شارع پور و شعبانی (۱۳۹۵)
۱۶	تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر فرهنگ شهروندی شهروندان تهرانی	نیازی و جعفر پور (۱۳۹۵)
۱۷	تأثیر طبقه اجتماعی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی	احمدی و ساعی ارسی (۱۳۹۶)
۱۸	تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش آموزان	بهرامی و دیگران (۱۳۹۶)
۱۹	رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی	رمضان و جانی‌پور (۱۳۹۶)
۲۰	ارزیابی میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری (مطالعه موردی: شهروندان شهر تنکابن)	ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۷)
۲۱	عوامل اجتماع مؤثر بر آگاهی زنان شهر ری از حقوق شهروندی	لاریجانی (۱۳۹۷)
۲۲	بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، تعهد شهروندی افراد و مشارکت اجتماعی با حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر سمنان	هدایت‌زاده و دیگران (۱۳۹۷)
۲۳	بررسی تأثیر انقلاب اسلامی در ارتقای آگاهی مردم از حقوق شهروندی و کرامت انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز	احمدی و دیگران (۱۳۹۸)
۲۴	آیا اعتماد اجتماعی باعث افزایش پایبندی به تکالیف شهروندی می‌شود؟	الهی امیرآباد و دیگران (۱۳۹۸)

کد	عنوان پژوهش	نویسنده/سال
۲۵	بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان استان لرستان)	بهرامی و دیگران (۱۳۹۸)
۲۶	بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس	دسترنج و دیگران (۱۳۹۸)
۲۷	بررسی رابطه تبلیغات شهری و آگاهی از حقوق شهروندی	کاظمی و دیگران (۱۳۹۸)
۲۸	طراحی و ارائه الگوی رسانه‌ای حقوق شهروندی ایرانیان	محمودی و دیگران (۱۳۹۹)

۲-۱. نقد و بررسی و نوآوری پژوهش فعلی

حقوق شهروندی از مسائل مهم جامعه ایرانی است. گرچه این مفهوم اولین بار در دوران هخامنشی (منشور کوروش) درباره حقوق اجتماعی انسان‌ها در ایران مطرح شده است، اما یونان نیز در این زمینه پیش قدم بوده است. حقوق شهروندی به معنای سیاسی و اجتماعی در ایران بعد از انقلاب شکل نوینی به خود گرفته و تلاش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است. پژوهش‌های تجربی در ایران قصد داشتند، عوامل مؤثر بر حقوق شهروندی را بررسی کرده و راهکارهای مرتبط با آن را ارائه دهند. پژوهش‌های تجربی (صورت گرفته)، ضمن داشتن یافته‌های مناسب، از پراکندگی و فقدان انسجام تجربی و نظری رنج می‌برند. این پژوهش قصد دارد با نگاهی به آثار صورت گرفته درباره حقوق شهروندی، به یک جمع‌بندی مناسب علمی دست یابد تا بتوان به تصمیم جامع درباره حقوق شهروندی دست یابد.

۳. دیدگاه‌های نظری

گفتمان فردگرایی لیبرال: فردگرایی لیبرال یک نوع جریان فکری است که از زمان توماس هابز به بعد بر تفکر انگلیسی - آمریکایی غلبه یافته است. به زعم اولد فیلد، این رویکرد سرچشمه اندیشه شهروندی در بریتانیا و ایالات متحده آمریکاست. در این تفکر، شهروندی به عنوان موقعیتی در نظر گرفته شده است که باید به منظور به دست آوردن و حفظ آن تلاش و جدیت نمود. موقعیت افرادی است که به لحاظ

هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و اخلاقی بر جامعه و دولت اولویت دارند. در این رویکرد، شهروندی پایگاهی تلقی می‌شود که حق حاکمیت افراد بر زندگی‌شان را به رسمیت می‌شناسد و هدف آن حمایت و تأمین حقوق افراد جامعه است. پس فرد موجودی عقلانی و آزاد در انتخاب شیوه زندگی خود به شمار می‌رود و دولت نیز در این میان نقش بی‌طرف دارد (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹، صص. ۳۹ و ۴۰). در این سنت، شهروندی اساساً به‌مثابه مجموعه حقوق فردی تعریف می‌شود که این حقوق چندین کارکرد دارند. مهم‌ترین کارکرد حقوق فردی این است که برخورداری از آنها استقلال فردی را به همراه می‌آورد. حقوق به افراد فضا می‌دهند تا منافعی‌شان را توسعه دهند و نیروهای بالقوه‌شان را بدون دخالت افراد دیگر یا به‌طور کلی جامعه، تحقق بخشند. این حقوق به افراد فرصت می‌دهد تا منافع شخصی خود را از طریق ابزارهای قانونی مثل انتخابات، تشکیل هیئت‌های پارلمانی دنبال کنند (شیانی، ۱۳۸۱). اولین نظریه‌پردازان لیبرال که نقش محوری برای حقوق قائل شدند، معتقد بودند که شهروندان باید در برابر قدرت رو به رشد دولت مورد حفاظت قرار داد، چراکه بدون حقوق مدنی، حیات و مالکیت افراد همواره در معرض قدرت خودسرانه سیاسی خواهند بود (فالكس، ۱۳۹۴، ص. ۷۸). هدف اصلی این دیدگاه، حمایت و تأمین افراد به‌واسطه حقوق است. مجموعه حقوق بر اساس نیازهای انسان در نظر گرفته‌شده تا آنان امکان عمل آزادانه را پیدا نمایند. در حوزه سیاسی این دیدگاه، شهروندان دارای حقوق شهروندی هستند و منافع فردی‌شان را تعقیب می‌کنند. کارکرد مهم حوزه سیاسی در این رویکرد ارائه خدمات به‌منظور کسب منافع و رسیدن به مقاصد افراد با حمایت از شهروندان در عمل به حقوق‌شان و آزاد گذاردن افراد بدون مانع برای دستیابی به اهداف و منافع فردی و جمعی است. در مقابل، وقتی سامان سیاسی مورد تهدید قرار بگیرد، وظیفه شهروندان دفاع از آن خواهد بود.

امتیاز مهم این رویکرد تأکید بر آزادی، استقلال و عدالت به عنوان ارزش برای تضمین فعالیت‌های فردی و حمایت در مقابل تهدیدات است. ازجمله حقوق افراد، حق مشارکت است و پیش‌فرض آن، وجود فرصت‌ها است. البته در این زمینه افراد حق انتخاب دارند و اگر نخواهند فعال باشند موقعیت شهروندی خود را از دست نمی‌دهند (Oldfield, 1990). در انتقاد به رویکرد فردگرایی لیبرال می‌توان به مشکلات تأکید آن

بر حقوق و تنش میان حقوق و مسئولیت‌ها و تنش میان حقوق مدنی و اجتماعی اشاره نمود. به خاطر فرضیات لیبرال، در مورد رابطه فرد و جامعه گرایش وجود داشته که به مسئولیت‌ها نه به عنوان یکی از شروط استقلال بلکه به عنوان تجاویز به آزادی نگاه می‌شود. طبیعی نمودن حقوق این حقیقت را پنهان می‌دارد که همه حقوق و مسئولیت‌ها به وسیله جامعه سیاسی ممکن می‌شوند؛ بنابراین این خطر وجود دارد که از حقوق به عنوان پدیده‌هایی مطلق دفاع شود، بدون اینکه به پیامدهای آنها برای نظم اجتماعی توجه شود. همچنین در این رویکرد تنشی میان حقوق مدنی و اجتماعی وجود دارد. تأکید بر حقوق مدنی محدود (همان حقوق بازار) در جوامع لیبرال به چگونگی تعریف شدن و نهادینه شدن شهروندی لیبرال منجر شده است. به زعم اولیور و هیتر (Oliver, & Heater, 1994, p. 91) تعارضات حقوق مدنی و اجتماعی در ایالات متحده به سلطه شهروندی مدنی به رویکرد اتخاذ شده به حقوق اجتماعی شکل داده است. نتیجه چنین وضعیتی یک گرایش فرهنگی به سمت تأکید بر دو شکل نسبتاً افراطی رابطه انسان است: مبادلات قراردادی مجرد میان افراد برابر از یک طرف و روابط نیکوکارانه بدون عوض و یک‌جانبه از طرف دیگر. هر دوی این رویکردها بیان تحریف‌شده‌ای از شهروندی اجتماعی هستند، چراکه فرض را بر وجود یک برخورد میان حقوق مدنی و اجتماعی می‌گذارند. از آنجا که لیبرال‌ها با این فرض آغاز می‌کنند که فرد یک بازیگر عقلانی، متمیزه و مستقل است آنها در مورد رفتار بشر به تبیین‌های عاملیت محور گرایش دارند و معتقدند که ما از طریق انتخاب‌هایمان به زندگی خودمان شکل می‌دهیم. مشکل این فرض این است که یک برداشت بسیار تک‌بعدی از قدرت دارد. در این دیدگاه ماهیت فشارها و محدودیت‌هایی که ساختار قدرت نظیر نژاد، طبقه و جنسیت بر فرد وارد می‌کنند، مورد غفلت قرار می‌گیرد. نابرابری‌های مرتبط با نظام طبقاتی، مردسالاری و نژادپرستی عمیقاً در جامعه ریشه دارند و برای درک این موضوع که چرا حقوق رسمی شهروندی برای بعضی از گروه‌ها مؤثر نیستند، اهمیت زیادی دارند. همچنین مارشال (۱۹۹۴) معتقد است که برداشت ذره‌گونه و اتمی فردگرایی لیبرالیسم از جامعه غلط است چراکه سیر زندگی هر فردی به طور تنگاتنگی با زندگی دیگران ارتباط دارد. افراد از چند جهت با هم ارتباط دارند. اول اینکه مردم به عنوان حیوانات سیاسی تنها از طریق مشورت جمعی می‌توانند به نهادهای عمومی امروزی

شکل دهند. دوم اینکه از طریق تقسیم اقتصادی کار نیز افراد برای انجام خدمات و عرضه محصولات به یکدیگر وابسته هستند. این بدان معنی است که تولید ثروت و در حقیقت مبادلات بازار به دست افرادی صورت نمی‌گیرند که در بازار به صورت مجرد و مستقل از دیگران دست به انتخاب می‌زنند (Marshall, 1994, p. 69).

گفتمان شهروندی اجتماع‌گرایی: این گفتمان با نقد گفتمان فردگرایی لیبرال آغاز می‌شود و بر چند نکته عمده تأکید می‌ورزد. اجتماع‌گرایان به گونه‌ای قوی استدلال نموده‌اند که تمرکز بیش‌ازحد بر حقوق برای کیفیت شهروندی مضر است. حقوق فردی به تنهایی یک نوع شهروندی سطحی و دفاعی ایجاد می‌کنند که کار کمی برای حفظ جامعه سیاسی که حقوق بر آن بنا شده‌اند، انجام می‌دهد. فردگرایی لیبرالیسم نگرش خودخواهانه و ابزارگرایانه‌ای را به دموکراسی و شهروندی رواج داده و اینها نه به عنوان تجلیات زندگی جمعی و اشتراکی بلکه به عنوان شیوه‌های افزایش نفع شخصی قلمداد شده‌اند. حقوق درخواست می‌شوند اما مسئولیت‌ها پذیرفته نمی‌گردند و آزادی به یک جواز سوءاستفاده تبدیل می‌شود (فالكس، ۱۳۹۴، صص. ۹۴-۹۵). جمع‌گرایان استدلال می‌کنند که افراد نمی‌توانند موقعیت خود را بدون ارجاع به نقش خود به عنوان شهروند و مشارکت‌کننده در زندگی اجتماع سیاسی درک کنند و چارچوب‌های سیاسی را بدون ارجاع به منافع و اهداف مشترک توجیه نمایند. در این گفتمان، فرد «وضعیت مند» مطرح می‌شود، یعنی فردی که در دل اجتماع خود قرار دارد و از طریق تعلقات و فهم مشترکی که دارد، زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد و تعریف می‌کند. در این تفکر، شهروندی به معنای عضویت کامل در اجتماع و عمل به تعهدات و وظایف است که در قالب مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه و حکومت تبلور می‌یابد، به گونه‌ای که افراد بدون اجبار و محدودیت با عمل به مسئولیت اخلاقی و وظایف اجتماعی، منافع خود و اجتماع را دنبال می‌کنند. در این برداشت، شهروندی علاوه بر مشارکت فعال در زندگی سیاسی، دربردارنده انتظاراتی چون تعهد و وفاداری به کشور، ملت و دولت، دفاع از میهن، اطاعت از قوانین، تسامح و مدارا با دیگران و نظایر آن نیز هست (Oldfield, 1990).

گفتمان شهروندی جمهوری‌گرایی (مدنی و جدید): در آراء و خط‌مشی‌های جمهوری

خواهان، شهروندی یک مفهوم کلیدی محسوب می‌شود. در این خط‌مشی، شهروندی یک عمل است و کسی که در عمل درگیر نشود، شهروند تلقی نمی‌گردد، یعنی عضویت کامل اجتماع سیاسی، با انجام تکالیف و وظایف شهروندی امکان‌پذیر است (غیاثوند، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۲). این گفتمان نیز به نقد گفتمان شهروندی فردگرایی لیبرال می‌پردازد و به پیوند آزادی‌های فردی و همبستگی اجتماعی و اجتماع تأکید دارد. مهم‌ترین متفکران این دیدگاه ارسطو، ماکیاولی و روسو می‌باشند که در قرن ۱۷ و ۱۸ توسط جمهوری خواهان در انگلیس و آمریکا تداوم یافته است. در این دیدگاه، شهروندی یک عمل و فعالیت در نظر گرفته می‌شود و شهروندان اعضای کامل و برابر یک اجتماع سیاسی به حساب می‌آیند و هویت آنان با مسئولیت‌ها و وظایف تعریف شده در آن اجتماع سیاسی شکل می‌گیرد. جمهوری خواهان استدلال می‌کنند حتی «خود» از طریق پیوندهای افراد با یکدیگر شکل می‌گیرد و پیوندهای افراد نباید به مثابه ابزاری برای یک هدف فردگرایانه در نظر گرفته شود. برقراری روابط با دیگران می‌تواند منجر به توسعه هویت و همچنین برخی از این روابط، می‌تواند به وفاداری و تعهد در مقابل اجتماع منجر شود. در این گفتمان افراد بر جامعه اولویت ندارند، بلکه هویت‌های خود را در بستر اجتماعی شکل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، عضویت کامل در اجتماع و عمل به وظایف، آنان را شهروند می‌نماید (شیانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۲؛ نبوی و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۹۲). به‌زعم اولدفیلد در گفتمان شهروندی جمهوری خواهی، شهروندی فقط شأن حقوقی نیست، بلکه نوعی فعالیت یا اقدام نیز هست، به طوری که درگیر شدن در فعالیت‌های اجتماعی موجب شهروندی می‌شود. مهم‌ترین الزام در این گفتمان حمایت از شهروندان برای تحقق شهروندی است. تأکید جمهوری‌گرایان این است که شهروندان هم قادرند و هم می‌باید در تحقق شهروندی سهیم باشند و این مربوط به ایفای وظایف و تکالیف شهروندی است. در مجموع، جمهوری خواهان طی قرن‌ها بر چند اصل عمده توافق داشتند. از یک‌سو شهروندان دارای وظایف مدنی (وفاداری نسبت به دولت، رعایت قوانین و حمایت از آن هستند) و از سوی دیگر، دولت نیز باید طبق قوانین نهادینه شده و نه به شیوه استبدادی حکومت کند. در این تعامل، افراد آماده کاهش منافع شخصی در قبال خیر و منافع اجتماعی هستند. در واقع، دغدغه اصلی این گفتمان پرورش شهروندانی فعال و سیاسی است (غیاثوند، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۳).

رالف دارندورف: رالف دارندورف درباره اهمیت مفهوم شهروندی معتقد است احتمالاً هیچ مفهوم یا ایده دیگری به اندازه شهروندی در تاریخ انسان با خواسته‌های او برای برابری و آزادی ترکیب نمی‌شود، اما چنین ترکیب‌هایی ایستا نیستند. دارندورف شهروندی را در رابطه با محرومیت اجتماعی مورد توجه قرار داده است. به نظر وی، در حیات اجتماعی و واحدهای اجتماعی، موقعیت‌ها و نقش‌هایی وجود دارند که با مجموعه ارزش‌ها و هنجارها، حقوق و تکالیف و ضمانت اجرایی آنها مشخص می‌شوند. در این جریان، سلسله‌مراتب و موقعیت‌های بالاتر و پایین‌تر پدید می‌آید که زمینه‌ساز تنش و تعارض است. به بیان دیگر، سلسله‌مراتبی از صاحبان و تابعان اقتدار در ساختار اجتماعی شکل می‌گیرد که زمینه نابرابری را به وجود می‌آورد. سه عامل تعیین‌کننده، شدت تضاد، میزان محرومیت و میزان مقاومت در برابر تغییر و تراکم یا انباشت تضاد، عناصر اصلی حل تعارض محسوب می‌شوند (برتون، ۱۳۸۰). از نظر دارندورف در تاریخ مدرن هیچ ایده اجتماعی‌ای پویاتر از شهروندی وجود ندارد، چراکه برای قرن‌ها موتور حرکت گروه‌های اجتماعی بوده است. امروزه، نمی‌توان تصویر پویایی از شهروندی در جامعه مدرن یافت، چون ایده شهروندی به تمام مفاهیم مهم مدرنیته پیوند خورده و نقش شهروند به عنوان مجموعه حقوق برابر اولیه یا اساسی مشارکت برای اعضای کامل اجتماع تعریف می‌شود. سه عنصر این نقش عبارت‌اند از:

- ۱- مجموعه حقوق برابر برای تمام کسانی که آن را دارا هستند بیشتر یک بیان است، چون موقعیت حقوقی و شهروندی برابری دو چیز متفاوت هستند؛
- ۲- شهروندی فرصت مشارکت در زندگی اجتماعی، در جوامعی که برخی شهروند و برخی ناشهروند هستند، به اقلیت خاصی تعلق می‌گیرد؛
- ۳- شهروندی حقوق کلی و تعمیم‌یافته اعضای جامعه که مرزهای آن تعریف شده، واژه شهروندی را با ملیت ترکیب نموده که در رابطه با نقش شهروند و گسترش اجتماع سیاسی فراتر از دولت دارای اشکال است. لذا شهر شهروندمداری باید ویژگی‌هایی از جمله آرامش، هم‌دلی، حل مشکلات و پاسخ‌گویی به اعتماد شهروندان را سرلوحه فلسفه وجودی خود نماید.

در این سه نکته، یک پرسش اصلی مطرح است. آیا شهروندی در جامعه‌ای که فقط

برخی شهروند هستند، معنای متناقض ندارد و آیا خود یک امتیاز نیست؟ از این نکات می‌توان استنباط کرد مجموعه حقوق و فرصت‌های نابرابر فراتر از نوشته‌های قوانین و اساسنامه‌های حقوقی است و بایستی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محقق شود. تفاوت میان حقوق برابر و موقعیت‌های برابر، میان سطح فرصت‌های انتخاب و فرصت‌های واقعی، پیچیده و مبهم است (Dahrendorf, 1994, pp. 292-293). دارندورف محرومیت را دشمن شهروندی می‌داند. ملموس‌ترین تأثیر این فرایند ظهور پدیده «بی‌طبقه» است. این پدیده یک مسئله طبقاتی نبوده و اینکه افرادی در انتهای نظام قشربندی اجتماعی قرار دارند، بلکه اعضای آن حتی نمی‌توانند پای خود را روی اولین پله نردبان قرار دهند. این موقعیت، محرومیت از ارزش‌های اساسی شهروندی را آشکار می‌سازد (Dahrendorf, 1994, pp. 18). اعضای فاقد طبقه درحالی‌که فقیرند، از مشکلات و کمبودهای مسکن، آموزش، تغذیه، درمان و شغل رنج می‌برند، در رفتارهای اجتماعی درگیر می‌شوند و با بدنامی و تبعیض اجتماعی روبرو می‌گردند که خصایص و رفتارهای حاشیه‌ای شدن و جابه‌جایی منظم متعلق به آنان است. این خصایص ثابت و معین نبوده و بهترین تعریف برای آنان، بی‌آزار به لحاظ سیاسی و سربار به لحاظ اقتصادی است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل (کمی) است. فراتحلیل، ترکیب، انسجام‌بخشی و یکدست‌سازی مطالعات صورت گرفته در یک زمینه مشخص است. فن آماری است که برای مرور نظام‌مندی استفاده می‌شود که نتایج حاصل از تعداد زیادی از مطالعات را به صورت کمی ترکیب می‌کند تا متوسط اثر یک فن خاص را تعیین کند که دارای پنج مرحله: ۱- تنظیم سؤال، ۲- جست‌وجوی ادبیات، ۳- انتخاب تحقیقات واجد شرایط، ۴- استخراج داده‌ها و ارزیابی کیفیت و اعتبار آن و ۵- ترکیب، تعبیر و تفسیر گزارش است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ با موضوع حقوق شهروندی است که در پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی Sid، پایگاه مجلات تخصصی نورمگز Noormags، بانک اطلاعات نشریات کشور Magiran ثبت شده است. از میان بیش از ۳۲ مطالعات پژوهشی در باب

«حقوق شهروندی» شناسایی و درنهایت، ۲۸ سند پژوهشی متناسب با ملاک‌های فراتحلیل کمی (ضریب همبستگی، حجم نمونه، سطح معنی‌داری، کیفیت پژوهش، اعتبار و ورایی پژوهش، پیمایش) انتخاب شدند. بعد از دسته‌بندی اولیه مطالعات، سنخ‌شناسی و توصیف آن، درنهایت متغیرهای پژوهش که بیش از ۲ بار در مطالعات تکرار شده‌اند، برای تعیین اندازه اثر و ضریب همبستگی آن وارد CMA2 شدند.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافته‌های توصیفی

جدول (۲): سنخ‌شناسی روشی مطالعات تجربی

نویسندگان و سال پژوهش	جامعه	نمونه	شیوه نمونه‌گیری
ربانی و دیگران (۱۳۸۵)	۷۲۴۶	۲۲۰	تصادفی ساده
اسکافی (۱۳۸۶)	۲۴۳۱۰۰	۳۶۸	طبقه‌ای و اتفاقی
هزارجریبی و دیگران (۱۳۹۰)	۳۳۳۹۴۵	۱۸۲	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
حسین‌زاده و دیگران (۱۳۹۱)	۱۶۹۹۶۶	۴۵۹	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
کلدی و دیگران (۱۳۹۱)	۱۸۴۲	۲۷۰	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
وثوقی و دیگران (۱۳۹۱)	۱۶۹۹۶۶	۴۵۸	خوشه‌ای
باقری بنجار و دیگران (۱۳۹۲)		۳۷۸	تصادفی
زیاری و دیگران (۱۳۹۲)		۳۲۸	خوشه‌ای
شیرعلیزاده و دیگران (۱۳۹۳)	-	۱۱۱۲	تصادفی
مهدوی و دیگران (۱۳۹۳)	۶۹۹۲	۳۷۳	طبقه‌ای سیستماتیک
همتی و دیگران (۱۳۹۳)	۴۲۰۰۰۰	۳۸۲	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
بخارایی و دیگران (۱۳۹۴)		۳۸۰	تصادفی ساده
قهرمانی و دیگران (۱۳۹۴)	۲۴۲۷	۳۳۱	طبقه‌ای تصادفی متناسب با حجم
سام‌آرام و دیگران (۱۳۹۵)	۲۰۳۳۸	۳۷۶	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
شارع‌پور و دیگران (۱۳۹۵)	۷۸۰	۲۵۷	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
نیازی و دیگران (۱۳۹۵)	-	۴۰۰	خوشه‌ای
احمدی و دیگران (۱۳۹۶)		۴۳۷	طبقه‌ای متناسب با حجم

نویسندگان و سال پژوهش	جامعه	نمونه	شیوه نمونه گیری
بهرامی و دیگران (۱۳۹۶)	۶۸۹۴۸	۳۸۰	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
رمضان و دیگران (۱۳۹۶)	۱۱۹۴۰۴۹	۳۸۷	طبقه‌بندی و سیستماتیک
ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۷)	۴۶۱۴۸	۳۸۱	تصادفی
لاریجانی (۱۳۹۷)	-	۳۸۴	تصادفی
هدایت‌زاده و دیگران (۱۳۹۷)	-	۲۵۵	تصادفی ساده
احمدی و دیگران (۱۳۹۸)	۲۱۰۰۰	۳۸۴	خوشه‌ای
الهی امیرآباد و دیگران (۱۳۹۸)	۸۸۲۷۸	۳۸۱	تصادفی چندمرحله
بهرامی و دیگران (۱۳۹۸)	۱۱۶۰۶۵۴	۸۵۲	چندمرحله
دسترنج و دیگران (۱۳۹۸)	-	۳۵۰	طبقه‌ای تصادفی ساده
کاظمی و دیگران (۱۳۹۸)	۸۵	۸۵	سرشماری
محمودی و دیگران (۱۳۹۹)	۱۰۰۰۰	۳۷۰	خوشه‌ای

۵-۱-۱. جامعه آماری مطالعات

جدول (۳): جامعه آماری مورد بررسی پژوهش

گروه موردی بررسی	فراوانی	درصد فراوانی
دانشجو	۵	۱۷.۸
شهروند	۲۳	۸۲.۱
مجموع	۲۸	۱۰۰

مطابق با یافته‌های جدول فوق، ۸۲.۱ درصد از جامعه آماری پژوهش را شهروندان و ۱۷.۸ درصد آن را دانشجویان تشکیل داده‌اند.

۵-۱-۲. قلمرو جغرافیایی مطالعات

جدول (۴): قلمرو جغرافیایی مطالعات

مکان	فراوانی	درصد
تهران	۴	۱۴.۲۸
اصفهان	۱	۳.۵۷

مکان	فراوانی	درصد
خرم‌آباد	۲	۷.۱۴
بوشهر	۲	۷.۱۴
پیرانشهر	۱	۳.۵۷
رشت	۱	۳.۵۷
خراسان جنوبی	۱	۳.۵۷
همدان	۱	۳.۵۷
خلخال	۱	۳.۵۷
ایوان	۱	۳.۵۷
پلدختر	۱	۳.۵۷
مشهد	۱	۳.۵۷
ساری	۱	۳.۵۷
سیرجان	۱	۳.۵۷
تبریز	۱	۳.۵۷
تنکابن	۱	۳.۵۷
سمنان	۱	۳.۵۷
تبریز	۱	۳.۵۷
پاسوج	۱	۳.۵۷
لرستان	۱	۳.۵۷
بندرعباس	۱	۳.۵۷
کشوری	۱	۳.۵۷
جمع	۲۸	۱۰۰

۱۴.۲۸ درصد تحقیقات در شهر تهران انجام گرفته است.

۳-۱-۵. روش نمونه‌گیری پژوهش

جدول (۵): روش نمونه‌گیری پژوهش

شیوه نمونه‌گیری	فراوانی	درصد
روش تصادفی	۷	۲۵
خوشه‌ای چندمرحله	۱۴	۵۰
طبقه‌ای تصادفی	۶	۲۱.۴۸
سرشماری	۱	۳.۵۸
جمع	۲۸	۱۰۰

بیشتر تحقیقات یعنی ۵۰ درصد به روش خوشه‌ای چندمرحله بوده است.

۴-۱-۵. بازه زمانی مطالعات

جدول (۶): بازه زمانی مطالعات حقوق شهروندی

سال	فراوانی	درصد
۱۳۸۵	۱	۳.۵۷
۱۳۸۶	۱	۳.۵۷
۱۳۹۰	۱	۳.۵۷
۱۳۹۱	۳	۱۰.۷۱
۱۳۹۲	۲	۷.۱۴
۱۳۹۳	۳	۱۰.۷۱
۱۳۹۴	۲	۷.۱۴
۱۳۹۵	۳	۱۰.۷۱
۱۳۹۶	۳	۱۰.۷۱
۱۳۹۷	۳	۱۰.۷۱
۱۳۹۸	۶	۲۱.۴۲
۱۳۹۹	۱	۳.۵۷
جمع	۲۸	۱۰۰

در سال ۱۳۹۸ بیشترین تحقیقات (۲۱.۴۲) در باب حقوق شهروندی در ایران اجرا شده است.

۵-۱-۵. فراوانی حجم نمونه در پژوهش‌های مرور شده

جدول (۷): فراوانی حجم نمونه در پژوهش‌های مرور شده

درصد	فراوانی	حجم نمونه (نفر)
۷.۱۴	۲	کمتر از ۲۰۰
۱۷.۸۵	۵	۲۰۱-۳۰۰
۵۷.۱۴	۱۶	۳۰۱-۴۰۰
۱۷.۸۵	۵	بالاتر از ۴۰۱
۱۰۰	۲۸	جمع کل

بیشترین حجم نمونه (۵۷.۱۴ درصد) بین ۳۰۱-۴۰۰ قرار گرفته است.

۵-۱-۶. وضعیت جمعیت‌شناختی

جدول (۸): ویژگی جمعیت‌شناختی پژوهش

درصد	زیرگروه	متغیر
۳۵	مجرد	وضع تأهل
۵۸	متاهل	
۷	مطلقه و بیوه	
۲۹	۱۸-۲۵	سن
۴۶	۲۶-۳۳	
۲۱	۳۴-۴۰	
۴	۴۱ بالاتر	
۳۸	دیپلم و کمتر	سطح تحصیلات
۶۲	دانشگاهی	
۲۳	خانه‌دار	نوع شغل
۳۳	آزاد	
۱۶	بیکار	
۲۰	کارمند	
۸	سایر	

بیشتر پاسخ‌گویان (۵۸ درصد) متأهل و مابقی (۳۵ و ۷ درصد) به ترتیب مجرد و مطلقه بودند. ۴۶ درصد پاسخ‌گویان در گروه سنی ۲۶-۳۳ سال، ۲۹ درصد در گروه سنی ۱۸-۲۵ سال و ۲۱ درصد در گروه سنی ۴۰-۳۴ سال قرار داشتند. همچنین سطح تحصیلات ۶۲ درصد از پاسخ‌گویان دانشگاهی و ۳۸ درصد دیپلم و کمتر است. شغل ۳۳ درصد پاسخ‌گویان آزاد، ۲۳ درصد خانه‌دار، ۲۰ درصد کارمند و ۲۴ درصد بیکار و سایر بود.

۲-۵. استنباطی

جدول (۹): ضریب همبستگی و اندازه اثر ترکیبی متغیرهای پژوهش

فرض ناهمگونی	گزارش آماری						نوع اثر	متغیر	
	sig	Q	sig	Z	upper	lower			
۰.۰۰۰	۹۸.۷۸۵	۰.۰۰۰	۳.۱۳۵	۰.۵۳۳	۰.۱۵۸	۰.۳۱۷	تصادفی	مشارکت سیاسی	سیاسی
۰.۰۰۰	۱۴۳.۰۰۳	۰.۰۰۰	۵.۷۹۱	۰.۵۴۴	۰.۲۹۳	۰.۴۲۷	تصادفی	گرایش سیاسی	
۰.۰۰۰	۱۲۲.۰۸۲	۰.۰۰۴	۲.۵۷۹	۰.۶۵۶	۰.۳۴۵	۰.۳۱۷	تصادفی	آگاهی سیاسی	
۰.۰۰۰	۲۳۷.۵۳۸	۰.۰۰۰	۴.۸۱۵	۰.۷۳۷	-۰.۳۰۳	۰.۳۹۶	تصادفی	اعتماد سیاسی	
۰.۰۰۰	۹۱.۲۵۶	۰.۰۰۰	۳.۹۷۷	۰.۶۵۲	۰.۳۲۷	۰.۳۰۶	تصادفی	آگاهی اجتماعی از حقوق	فرهنگی
۰.۰۰۰	۲۴۸.۰۱۸	۰.۰۰۴	۲.۵۸۹	۰.۷۴۲	۰.۱۱۷	۰.۴۸۰	تصادفی	آموزش حقوق شهروندی	
۰.۰۰۳	۸.۶۱۷	۰.۰۰۰	۵.۱۵۹	۰.۴۸۲	۰.۲۳۲	۰.۴۱۸	تصادفی	مصرف رسانه‌ای	
۰.۰۰۱	۱۷.۶۹۹	۰.۰۰۱	۱۰.۳۵۵	۰.۴۳۴	۰.۳۲۵	۰.۲۱۶	تصادفی	سرمایه فرهنگی	
۰.۰۰۶	۹.۴۳۰	۰.۰۰۱	۳.۳۰۸	۰.۵۲۳	۰.۱۴۷	۰.۳۷۹	تصادفی	اعتماد اجتماعی	اجتماعی
۰.۰۰۰	۵۳۱.۰۸۸	۰.۰۰۱	۳.۱۹۴	۰.۸۲۶	۰.۲۷۴	۰.۲۷۲	تصادفی	مشارکت اجتماعی	
۰.۰۰۱	۲۲.۶۳۴	۰.۰۰۰	۶.۴۱۸	۰.۵۳۶	۰.۲۹۱	۰.۲۷۴	تصادفی	انسجام اجتماعی	
۰.۰۰۰	۱۹۵.۳۱۴	۰.۰۰۰	۲.۶۶۴	۰.۷۷۱	۰.۲۶۶	۰.۱۹۴	تصادفی	سطح تحصیلات	متغیر زمینه‌ای
۰.۰۱۴	۵.۹۷۱	۰.۰۰۱	۳.۲۰۷	۰.۴۵۰	۰.۱۱۶	۰.۲۹۲	تصادفی	سن	
۰.۳۲۷	۱.۲۵۴	۰.۰۰۰	۶.۳۵۶	۰.۷۱۴	۰.۰۹۶	۰.۱۷۸	ثابت	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	

یافته‌ها نشان می‌دهد که:

- ۱- بین عوامل سیاسی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد. با افزایش مشارکت سیاسی (۰.۳۱۷)، گرایش سیاسی (۰.۴۲۷)، آگاهی سیاسی (۰.۳۱۷) و اعتماد سیاسی (۰.۳۹۶)، میزان آگاهی و آشنایی با حقوق شهروندی در بین ایرانیان نیز افزایش می‌یابد.
- ۲- بین عوامل فرهنگی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس، آگاهی اجتماعی (۰.۳۰۶)، آموزش حقوق شهروندی (۰.۴۸۰)، مصرف رسانه‌ای در (۰.۴۱۸) و سرمایه فرهنگی (۰.۲۱۶)، آگاهی از حقوق شهروندی را نیز افزایش می‌دهد.
- ۳- بین عوامل اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد. هر چه میزان اعتماد اجتماعی (۰.۳۷۹)، مشارکت اجتماعی (۰.۲۷۲) و انسجام اجتماعی (۰.۲۷۴)، افزایش یابد، میزان آگاهی از حقوق شهروندی نیز افزایش می‌یابد.
- ۴- بین عوامل زمینه‌ای و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس با افزایش سطح تحصیلات (۰.۱۹۴)، سن (۰.۲۹۲) و پایگاه اقتصادی-اجتماعی (۰.۱۷۸)، میزان آگاهی از حقوق شهروندی نیز افزایش می‌یابد.

جدول (۱۰): اندازه اثر آگاهی از حقوق شهروندی

اندازه اثر r	نوع اثر	مقدار Z	sig
۰.۲۰۸	تصادفی	۳۴.۸۷۵	۰.۰۰۱

درنهایت پژوهش توانسته ۲۰ درصد از تغییرات آگاهی از حقوق شهروندی را تبیین نماید.

نتیجه‌گیری

تحقق مفهوم و شکل‌گیری ایده شهروندی، نیازمند وجود بستری مناسب و زمینه‌ساز هست که از آن به عنوان جامعه مدنی یاد می‌شود. کیفیت مشارکت شهروندان در امور جامعه از شاخص‌های اساسی توسعه‌یافتگی و از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی در هر جامعه مدنی محسوب می‌شود. عناصر کلیدی فرهنگ شهروندی، همواره از طرف محققان و صاحب‌نظران، از ادوار باستان تاکنون مورد بحث و چالش قرار گرفته است. از ضروریات دستیابی به شاخص‌های توسعه، تعیین میزان نهادینه شدن فرهنگ شهروندی

هست. شهروندی یکی از مهم‌ترین مفاهیم و ایده‌های اجتماعی است و در شکل دادن به نهادهای حکومتی مؤثر هست و از سوی دیگر بر مسئولیت‌هایی که باید بر پایداری جوامع سیاسی و محیط طبیعی مان پذیریم تأکید می‌کند (شیانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵). شهروندی به عنوان یک ویژگی بارز انسانی ناشی از نیاز انسان به همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر افراد انسانی، آگاهی نسبت به فرهنگ شهروندی و وظایف خود و وجود یک اخلاق مشارکت‌جویانه و آگاهانه در فعل و انفعالات اجتماعی است. آگاهی از این امر دارای جنبه‌های مختلفی از جمله آگاهی از حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جنسیتی، مدنی است. آگاهی و آشنایی افراد از این امر نه تنها موجب دستیابی بهتر آنان به حقوق خودشان می‌گردد، بلکه سبب می‌شود تا به حقوق دیگران نیز احترام گذاشته و حق آنان را نیز ادا گردد. افراد زمانی به حقوق یکدیگر احترام خواهند گذاشت که حقوق و تکالیف خود را بشناسند و در نتیجه شناخت و آگاهی، این امر محقق می‌شود (عنایتی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲). حقوق شهروندی، مجموعه قواعد و احکام و قوانینی را شامل می‌شود که بر روابط بین شخصی شهروندان حاکم باشد و به آنها جایگاهی را به عنوان عضوی از جامعه اعطا نماید. در واقع حقوق شهروندی به نوعی حمایت‌های قانون و واگذاری حقوق به شهروندان را در جهت محافظت آنها از در برابر انواع نا عدالتی‌ها را شامل می‌شود. حقوق شهروندی را نباید صرفاً مجموعه‌ای از حقوق دانست که معطوف به شهروندان و در راستای حمایت از آنهاست، بلکه در مقابل این حق اعطاشده، شهروندان نیز دارای وظایفی هستند. در واقع حقوق شهروندی در جامعه همچون دو روی یک سکه‌ای است که یک طرف را حقوق و قوانین تشکیل می‌دهد و طرف دیگر را وظایف متناسب با حقوق احراز شده. حقوق شهروندی از جمله مفاهیم نوظهوری است که با سایر مفاهیم همچون آگاهی شهروندان پیوند نزدیکی دارد. بر این اساس، نتایج پژوهش به شرح زیر است:

۱- یافته‌های توصیفی

- ۸۲.۱ درصد از جامعه آماری پژوهش را شهروندان و ۱۷.۸ درصد آن را دانشجویان تشکیل داده‌اند.

- ۱۴.۲۸ درصد تحقیقات در شهر تهران انجام گرفته است.

- ۵۰ درصد به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است.

- در سال ۱۳۹۸ بیشترین تحقیقات (۲۱.۴۲) در باب حقوق شهروندی در ایران اجرا شده است.

- بیشترین حجم نمونه (۵۷.۱۴ درصد) بین ۳۰۱-۴۰۰ قرار گرفته است.
- بیشتر پاسخ‌گویان (۵۸ درصد) متأهل و مابقی (۳۵ و ۷ درصد) به ترتیب مجرد و مطلقه بودند. ۴۶ درصد پاسخ‌گویان در گروه سنی ۲۶-۳۳ سال، ۲۹ درصد در گروه سنی ۱۸-۲۵ سال و ۲۱ درصد در گروه سنی ۴۰-۳۴ سال قرار داشتند. همچنین سطح تحصیلات ۶۲ درصد از پاسخ‌گویان دانشگاهی و ۳۸ درصد دیپلم و کمتر است. شغل ۳۳ درصد پاسخ‌گویان آزاد، ۲۳ درصد خانه‌دار، ۲۰ درصد کارمند و ۲۴ درصد بیکار و سایر بود.

۲- یافته‌های تحلیلی

- هر چه سطح مشارکت سیاسی (۰.۳۱۷)، در انتخابات ملی - محلی و مسائل ملی، افزایش یابد، میزان آشنایی با حقوق شهروندی نیز افزایش می‌یابد.

- تقویت گرایش سیاسی (۰.۴۲۷) در جامعه و اهمیت یافتن عضویت و فعالیت حزبی، حقوق شهروندی را در بین جامعه، پراهمیت می‌کند.

- هر چه آگاهی سیاسی (۰.۳۱۷) جامعه نسبت به تحولات داخلی و جهانی، افزایش یابد، به همان میزان آشنایی با حقوق شهروندی نیز افزایش می‌یابد.

- افزایش اعتماد سیاسی (۰.۳۹۶)، بین مردم و نهادهای حکومتی، میزان آگاهی و آشنایی با حقوق شهروندی را افزایش می‌دهد.

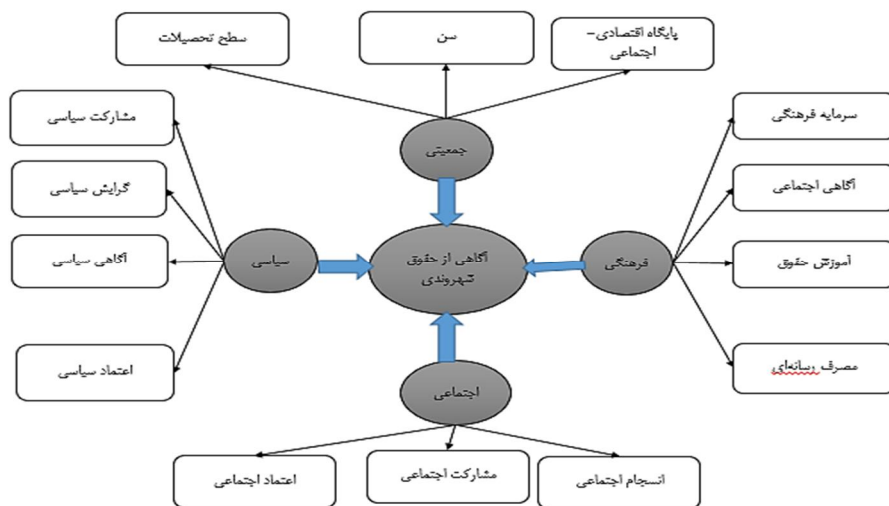
- هر چه آگاهی اجتماعی (۰.۳۰۶)، در بین ایرانیان، افزایش یابد، آشنایی با حقوق شهروندی، نیز اهمیت بیشتری خواهد یافت.

- هر چه سطح آموزش حقوق شهروندی (۰.۴۸۰) در مدارس، انجمن‌های غیردولتی و دانشگاه و مؤسسات علمی، بیشتر شود، میزان آشنایی با حقوق شهروندی نیز افزایش می‌یابد.

- نفوذ امر رسانه‌ای در (۰.۴۱۸) اعم از داخلی و خارجی، اتصال مردم به شبکه‌های مجازی، در تقویت میزان آگاهی از حقوق شهروندی تأثیرگذار است.

- هر چه سطح سرمایه فرهنگی (۰.۲۱۶) شهروندان افزایش یابد، آگاهی از حقوق شهروندی را نیز افزایش می‌دهد.

- با افزایش اعتماد اجتماعی (۰.۳۷۹) در بین مردم، آگاهی از حقوق شهروندی نیز اهمیت بیشتری می‌یابد.
- هر چه سطح مشارکت اجتماعی (۰.۲۷۲) در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی افزایش یابد، میزان آگاهی از حقوق شهروندی نیز بیشتر می‌شود.
- وجود انسجام اجتماعی (۰.۲۷۴) و تقویت آن در سطح جامعه، میزان آگاهی از حقوق شهروندی را نیز افزایش می‌دهد.
- هر چه سطح تحصیلات دانشگاهی در بین مردم ایران افزایش یابد، آگاهی از حقوق شهروندی نیز اهمیت بیشتری خواهد یافت، با افزایش سن، این امر نیز مهم‌تر شده و همچنین ارتقای پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان، بسترهای آگاهی از حقوق شهروندی را تقویت می‌کند.



شکل (۱): مدل تجربی آگاهی از حقوق شهروندی ایرانیان

در نتیجه یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات: ربانی و دیگران (۱۳۸۵)، اسکافی (۱۳۸۶)، هزارجریبی و دیگران (۱۳۹۰)، حسین‌زاده و دیگران (۱۳۹۱)، کلدی و همکار (۱۳۹۱)، وثوقی و دیگران (۱۳۹۱)، باقری بنجار و دیگران (۱۳۹۲)، زیاری و دیگران (۱۳۹۲)، شیرعلیزاده و دیگران (۱۳۹۳)، مهدوی و دیگران (۱۳۹۳)، همتی و دیگران (۱۳۹۳)، بخارایی و دیگران (۱۳۹۴)، قهرمانی و دیگران (۱۳۹۴)، سام‌آرام و دیگران (۱۳۹۵)،

شارع پور و دیگران (۱۳۹۵)، نیازی و دیگران (۱۳۹۵)، احمدی و دیگران (۱۳۹۶)، بهرامی و دیگران (۱۳۹۶)، رمضان و دیگران (۱۳۹۶)، ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۷)، لاریجانی (۱۳۹۷)، هدایت‌زاده و دیگران (۱۳۹۷)، احمدی و دیگران (۱۳۹۸)، الهی امیرآباد و دیگران (۱۳۹۸)، بهرامی و دیگران (۱۳۹۸)، دسترنج و دیگران (۱۳۹۸)، کاظمی و دیگران (۱۳۹۸) و محمودی و دیگران (۱۳۹۹) همسو بوده و آنها را تأیید نموده است.

کتابنامه

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۸). ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ابراهیمی، مازیار و حق‌زاد، آمنه (۱۳۹۷). «ارزیابی میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری (مطالعه موردی: شهروندان شهر تنکابن)». *بین‌المللی پژوهش ملل*، ۳(۳۳)، شهریور، صص. ۱۱۹-۱۳۳.
- احمدی سفیدان، حسین و کاظمی‌زاد، علیرضا (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی در ارتقای آگاهی مردم از حقوق شهروندی و کرامت انسانی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تبریز». *مطالعات معرفتی در دانشگاه آزاد اسلامی، سال بیست‌وسوم*، (۲)، تابستان، صص. ۳۶۳-۳۷۹.
- احمدی، معصومه و ساعی ارسی، ایرج (۱۳۹۶). «تأثیر طبقه اجتماعی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی (مطالعه موردی شهر بوشهر)». *فصلنامه علوم رفتاری*، (۳۲)، صص. ۹-۲۸.
- ارمه، گی (۱۳۷۶). *فرهنگ و دموکراسی*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس.
- استونز، راب (۱۳۷۹). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر نی.
- اسکافی، مریم (۱۳۸۶). «بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد». *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال چهارم، (۱)، صص. ۱-۳۳.
- باقری بنجار، عبدالرضا و سپهوند، ابراهیم (۱۳۹۲). «بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خرم‌آباد». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، (۱۷)۵، صص. ۱۷۷-۲۱۴.
- باقری بنجار، عبدالرضا و مرجانی، سجاد (۱۳۹۶). «تحلیل رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با توسعه اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان شهر رشت)». *دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی*، (۵)۳، صص. ۱-۲۵.

- بخارایی، احمد؛ شربتیان، محمدحسن و احمدی، اعظم (۱۳۹۴). «تحلیل رابطه جامعه‌شناختی سبک زندگی و گرایش به حقوق شهروندی (مطالعه موردی دانشجویان پیام نور خراسان جنوبی)». *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و ششم، ۶۰(۴)، صص. ۸۷-۱۰۸.
- برتون، رولان (۱۳۸۰). *قوم‌شناسی سیاسی*. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- بهرامی، ولی؛ تاج مزینانی، علی‌اکبر و امیری، حسین (۱۳۹۶). «تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش‌آموزان (مورد مطالعه: شهرستان پلدختر)». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۸(۳۱)، صص. ۸۱-۱۱۶.
- بهرامی، ولی؛ نیازی، محسن و سهراب‌زاده، مهران (۱۳۹۸). «بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان استان لرستان)». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، بهار، ۳۸(۳)، صص. ۳۵-۷۴.
- پیرهادی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *حقوق شهروندی*. تهران: انتشارات سروش تهران.
- پین، مایکل (۱۳۸۰). *فرهنگ اندیشه انتقادی*. ترجمه پیام یزدان‌جو. تهران: نشر مرکز.
- توسلی، غلامعباس و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران». *جامعه‌شناسی ایران*، ۵(۲)، صص. ۳۲-۶۲.
- حسین‌زاده، علی‌حسین؛ ایدر، نبی‌الله و عباسی، الهام (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم‌آباد». *مطالعات شهری*، سال دوم، ۲(۲)، صص. ۵۹-۸۲.
- دسترنج، منصوره و ملاحی، مهدی (۱۳۹۸). «بررسی رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس». *توسعه اجتماعی*، ۱۳(۳)، بهار، صص. ۱۱۷-۱۴۴.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱). «آموزش شهروندی». *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، سال پنجم، ۱۹(۱)، صص. ۲۲-۲۹.
- ربانی، رسول؛ حقیقتیان، منصور و اسماعیلی، محمد (۱۳۸۵). «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی بر میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی شهر اصفهان». *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال اول پیش شماره اول، صص. ۸۵-۱۰۶.
- رمضان مقدم و اجاری، یاسمن و جانی‌پور، مجتبی (۱۳۹۶). «رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت». *مطالعات جامعه‌شناختی*، سال نهم، ۳۴(۴)، صص. ۳۳-۴۹.
- زیاری، کرامت‌الله؛ شیخی، عبدالله؛ باقرعطاران، مرضیه و کاشفی دوست، دیمن (۱۳۹۲).

- «ارزیابی میزان آگاهی‌های عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری». پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۱(۱)، صص. ۷۷-۵۹.
- سام آرام، عزت‌الله و برزگرپاریزی، فاطمه (۱۳۹۵). «بررسی احساس برخورداری از حقوق شهروندی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر سیرجان». برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۲(۲۷)، صص. ۷۵-۱۱۶.
- شارع‌پور، محمود و شعبانی، مریم (۱۳۹۵). «تحلیلی جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری». فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۱۰(۳)، صص. ۶۶-۲۹.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱). «شهروندی و رفاه اجتماعی». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول (۴)، صص. ۲۴-۷.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران. (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- شیانی، ملیحه و داودوندی، طاهره (۱۳۸۹). «تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان». فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵(۵)، صص. ۳۵-۶۰.
- شیرعلیزاده، حسن؛ عظیمی، لیلا و رسول‌زاده اقدم، صمد (۱۳۹۳). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین دین‌داری با آشنایی به حقوق شهروندی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال)». مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، ۴۱(۴۱)، صص. ۶۶-۵۵.
- صدرالسادات، سیدجلال و صدرالسادات، لیلا (۱۳۹۱). «رهنمودهایی در زمینه آموزش شهروندی دموکراتیک بر اساس حقوق و مسئولیت‌های شهروندی». فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۰(۱۱ و ۱۰)، صص. ۷۵-۶۹.
- طالب‌زاده، محسن و فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۲). مباحث تخصصی برنامه‌ریزی درسی. تهران: نشر آبیژ.
- طلوعی، علی (۱۳۷۹). جامعه‌پذیری سیاسی جوانان با تأکید بر نقش تلویزیون. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
- عنایتی، ترانه (۱۳۹۱). «رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی دانشجویان». فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال هفتم، ۲(۲)، صص. ۱۰-۱.

- غیاثوند، احمد (۱۳۹۰). گرایش به شهروندی سیاسی و عوامل مؤثر بر آن. (رساله دکتری). رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
- فالکس، کیث (۱۳۹۴). شهروندی. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: انتشارات کویر.
- فرمیهنی فراهانی، محسن، (۱۳۸۹). تربیت شهروندی. تهران: انتشارات آیت.
- قهرمانی، مریم و داودپور، زهره (۱۳۹۴). «سنجش میزان آگاهی اساتید دانشگاه از حقوق شهروندی». *مطالعات محیطی هفت حصار*، سال چهارم، (۱۱)، صص. ۷۹-۸۹.
- کاظمی، امیر و مظفری، شاهین (۱۳۹۸). «بررسی رابطه تبلیغات شهری و آگاهی از حقوق شهروندی». *مطالعات مدیریت شهری*، سال یازدهم، (۳۹)، پاییز، صص. ۱۹-۳۳.
- کلدی، علیرضا و پوردهناد، نگار (۱۳۹۱). «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران». *فصلنامه مطالعات شهری*، سال دوم، (۴)، صص. ۲۹-۵۸.
- کیویستو، پیتز (۱۳۸۷). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- لاریجانی، مهسا (۱۳۹۷). «عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی زنان شهر ری از حقوق شهروندی». *پژوهش‌های دانش انتظامی*، سال بیستم، (۴)، زمستان، صص. ۹۳-۱۱۳.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵). «آموزش شهروندی ملی و جهانی با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان». *فصلنامه نوآوری آموزشی*، (۱۷)، صص. ۱۱-۴۴.
- مالجو، محمد (۱۳۸۱). «حقوق شهروندی و تأمین اجتماعی». *مجلس و پژوهش*، (۳۳)، صص. ۵۱-۶۸.
- محمودی، ایرج؛ حبیب‌زاده ملکی، اصحاب و نوابخش، مهرداد (۱۳۹۸). «طراحی و ارائه الگوی رسانه حقوق شهروندی». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، (۵۹)، صص. ۲۷۵-۳۰۹.
- معین، مصطفی (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات فرهنگ نما.
- مهدوی، سیدمحمدصادق و عاشوری، علی (۱۳۹۳). «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر)». *مجله مطالعات توسعه ایران*، سال ششم، (۴)، صص. ۲۳-۳۶.
- نبوی، سیدعبدالحسین؛ ارشاد، فرهنگ و فاضل، سیدحسام‌الدین (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، (۳۸)، صص. ۸۹-۱۰۴.
- نیازی، محسن و جعفرپور، مرتضی (۱۳۹۵). «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر فرهنگ

- شهروندی شهروندان تهرانی در سال ۱۳۹۳». *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال پنجم، (۱۹)، صص. ۹۷-۱۲۲.
- وثوقی، منصور و حضرتی، مرتضی (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه نمادین و نگرش به حقوق شهروندی (مطالعه موردی شهر تبریز)». *مطالعات جامعه‌شناختی*، سال چهارم، (۱۴)، صص. ۱۴۱-۱۵۷.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۱). *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی کاوشی در باب جامعه بورژوازی*. ترجمه جمال محمدی. تهران: نشر افکار.
- هدایت‌زاده، حسام‌الدین؛ بشیرخداپرستی، رامین؛ باقری قره‌بلاغ، هوشمند و غلامی، محمدرضا (۱۳۹۷). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، تعهد شهروندی افراد و مشارکت اجتماعی با حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر سمنان». *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال هشتم، (۲۸)، پاییز، صص. ۲۸۹-۲۱۶.
- هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل (۱۳۹۰). «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن». *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال سوم، (۹)، صص. ۱-۱۸.
- همتی، رضا و احمدی، وکیل (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، (۱۸)، صص. ۱۳۹-۱۸۲.
- الهی‌امیرآباد، محمد و رشیدی‌زاده، افسانه و احمدی، سیروس (۱۳۹۸). «آیا اعتماد اجتماعی باعث افزایش پایبندی به تکالیف شهروندی می‌شود؟». *مطالعات آفاق علوم انسانی*، (۳۴)، صص. ۴۷-۶۰.

- Dahrendorf, R. (1994). citizenship and Beyond: Beyond: The. Social Dynamics of and idea, in B.S Turner and p. Hamilton (ed) citizen ship critical concept, london:Routledge.
- De la Paz, Gabriel (2008). Citizenship Identity and Social Inequality.
- Lee, W. O. (1999). Qualities of Citizenship for the new century: Perception of Asian Educational Leaders, Paper Presented at the Fifth UNESCOACEID International Conference on Reforming Learning, Curriculum.
- Marshall, TH (1994). Citizenship and social class in B.S. turner & Hamilton, citizenship:critical concept, London: Roul ledge.
- Oliver, dawn & Heater, dereck (1994). "The foundations of citizenship, Great Britain": Harvester wheatsheaf.